

ایران

- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی طلب
- **سرمدیر:** کمیل نقی پور
- **معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- **دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- **مهدی مهرپور**(اقتصادی) • **مصطفی وتوق کیا**(فرهنگی) • **آزاده سهرابی**(اجتماعی)

- **بنفشه غلامی**(جهان) • **علی کاکا دزفولی** (سیاست)
- **لیدا فخری** (اندیشه) • **محمدرضا عزیزی** (گزارش)
- **زهرا کشوری** (زیست بوم) • **سعید زاهدیان** (ورزشی)
- **مهدی کلهرزاد**(اجرائی)
- **حجت حکیمی** (صفحه‌آرایی)
- **محسن جانی پور** (ویراستاری) • **ابوالفضل نسایی** (عکس)

- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پيامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۳۳ • **روابط عمومی:** **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۲۰ (۰۲۱)
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

بزرگ‌ترین ترس ما در برابر مرگ درد نیست. آنچه ما را می‌ترساند این است که باید کسانی را که دوست داریم بگذاریم و بپنهانی راهی سفر شویم.

استاد پتربورگ، جی. ام. کوتسی



سخن‌روز

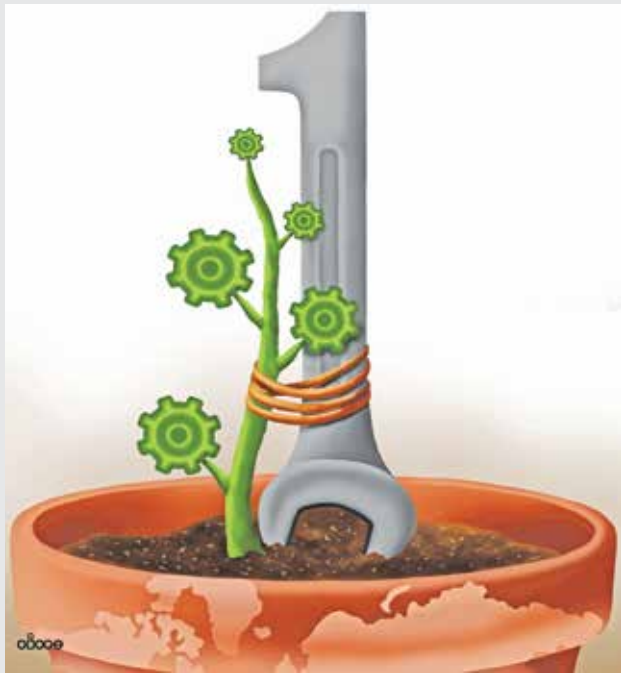
پیامبر اکرم(ص):

از نفرین مظلوم بپرهیز زیرا وی به دعا حق خویش را از خدا می‌خواهد و خدا حق را از حقدار دریغ نمی‌دارد.

کنز العمال، ج ۳، ص ۵۰۷

نگاره

روز جهانی کارگر



سپاوش طهمرت
بازنگر

یادداشت

عاشقانه‌ای حماسی از عشایر ایران



جبار آدین
مدرس و منتقد سینما و تلویزیون

نقل قول

جا پای نمایش‌های ایرانی را تا دیر نشده محکم کنیم

من به بازیگر نام تأکید می‌کنم اول مفهوم جمله‌ای را که قصد بیانش را دارید بفهمید بعد آن دیالوگ را به زبان بیابرید چون حرفی که ما می‌زنیم یاد هوست، مگر اینکه مفهومی پشتش باشد. اگر معنایی پشت جملات ما نباشد تأثیرگذار نخواهند بود. در هر حال باید بگویم که من گرفتار فرهنگ این اجتماع هستم و می‌ترسم که مضمحل شود و ما هویت اجتماعی و فرهنگی خودمان را از دست بدهیم و پشت آن، هویت انسانی نیز از تاریخ ما پاک می‌شود. از این رو شروع کردم به اجرای نمایش‌های ایرانی تا طرح‌هایی را که از جامعه خود می‌گیرم به آن تحویل دهم و زنده نگهش دارم. معتقدم الان جا پای نمایش‌های فرنگی و نویسندگان خارجی در کشور ما سفت است اما چیزی که جا پای سفتی ندارد نمایش‌های ایرانی است البته می‌توانیم اینجا پا را سفت کنیم و هنوز دیر نشده است.

بخشی از گفته‌های کارگردان و بازیگر نمایش «معرکه در معرکه» در مهر

یادداشت

عاشقانه‌ای حماسی از عشایر ایران

همزمان با بخش سریال «گیلدخت» که وقایع و رخداد‌های آن در دوران تلخ، سیاه و پرماجرای قجر می‌گذرد، رسانه ملی در سال جدید بخش یک مجموعه جذاب عاشقانه تاریخی دیگر را آغاز کرده که ماجراها و حوادث آن همانند «گیلدخت» در عصر دوره حاکمیت قجرها و ارباب‌ها بر ایران روی می‌دهد. در «گیلدخت»، عاشقانه «گلنار و اسماعیل» و در سریال دیدنی آتش و باد، عاشقانه «جهان پسند و خورشید» محور رویدادهای مختلف تلخ و شیرین این دو سریال را رقم می‌زنند. مجموعه تاریخی، اجتماعی، خانوادگی و دلبرانانه «آتش و باد» که داستان‌های خود را با توریق و عبور از سه شاخصه آثار «بومی و ملی و اجتماعی» و «سبک زندگی ایرانی و اسلامی» و «دوران قجر» در قالب هنر و سریال بازگو و بازآفرینی می‌کند، روایت دیگری از هردو روی سکه زندگی اجتماعی مردم و درباری اشراف و خان‌ها در دوران قجر است که نویسندگان و کارگردان آن کوشیدند، ضمن وفاداری به اتفاق‌های تاریخی، بازنمای درست و هنرمندانه زندگی، مناسبات و آیین‌های بومی و قومی عشایر دلاور ایران در زمانه حکومتگری سیاه قجر باشند. آنچه در «آتش و باد»، با وجود مشابهت‌های مضمونی عاشقانه و اجتماعی و تاریخی، از «گیلدخت» پررنگ‌تر است، توجه در پژوهش و نگارش خوب و دراماتیک و اجرای قوی، نمایش پسندیده فرهنگ و آداب و رسوم عشایر و مناسبات اجتماعی و سیاسی مردم با حاکمان وقت و همچنین عنایت به اجرایی‌کردن مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و مختصات زندگی سبک ایرانی و اسلامی در جای جای سریال، زندگی خانوادگی و قومی عشایر، باورها و اعتقادهای مردم، سنت‌های جاری در میان عشایر، زنان و نسل جوان و نمایش خصوصیات منطقه‌ای و جغرافیایی و تاریخی مردم و استان فارس است. نگره پژوهش تاریخی در مورد زندگی و آیین‌های عشایر، روابط اجتماعی و سیاسی دوران قجر و ترسیم و تصویر ایام سلطه اشراف و خوانین بر کشور و مبارزات مردم ضد آن‌ها و بیگانه‌ها از امتیازهای ساخته خوب مجتبی‌ی راعی، کارگردان متدین و متعهد سینما و تلویزیون است که در کنار دیگر نقاط قوت «آتش و باد» از جمله متن با محتوا و خوش پرداخت، بازی‌های مطلوب، کارگردانی حرفه‌ای و روبه جلو، تصویر و فضا سازی‌های جذاب و پرداخت مضمونی و محتوایی و ساختار هنری حساب شده، از این سریال، اثری دیدنی، مخاطب‌پسند و پرخاطره ساخته است.

مجتبی‌ی راعی، پیش‌تر فیلم‌ها و مجموعه‌های خوب «تولد یک پرانه»، «انسان و اسلحه»، «ترنج»، «عصر روز دهم»، «صنوبر»، «جای امن» و «تول»، «سفر به هیدالو» و... را در کارنامه هنری خود به ثبت رسانده است. کارگردانی متبحرانه سریال به یادماندنی «آتش و باد»، بخشی دیگر از توانایی‌ها و قابلیت‌های او را به رخ می‌کشد و سریالی مانا به پرورنده سریال‌های ماندگار رسانه ملی می‌افزاید. «آتش و باد»، نمایش هنرمندانه و متعهدانه بخشی از تاریخ یک کشور و ملت است.

درنگ

کوری در آخرت ناشی از ندانستن کدام حقایق است؟



علی طالب‌لو
طلبه و پژوهشگر

در قرآن کریم، آیه بسیار مهمی درباره کوردلی در دنیا و نتیجه آن در آخرت مشاهده می‌کنیم؛ **وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا** [۱]
 خدای متعال در این آیه می‌فرماید: کسی که در دنیا کوردل باشد، در آخرت نیز کوردل است و حتی گمراهی او بیشتر هم می‌شود. مراد از کوردلی در این دنیا چیست؟! آیا مراد این است که اگر کسی در کسب و کار دنیایی کور و نادان باشد، در آخرت نیز گمراه و کوردل است؟! آیا مراد از کوردلی در دنیا، نداشتن عقل معاش است؟!
 با جست‌وجویی در مجامع حدیثی می‌بینیم که حضرت رضا(ع) این حدیث شریفه را اینطور معنی کرده‌اند: یعنی **أَعْمَىٰ عَنِ الْحَقَائِقِ الْمَوْجُودَةِ**. [۲]

کور کسی است که حقایق موجود در عالم را نمی‌بیند و این فرد در آخرت نیز گمراه و عقب مانده خواهد بود. اگر حقایق موجود در این عالم را نبینیم و ندانیم، در آخرت نیز محروم باقی خواهیم ماند.

ملاصدرا از این آیه عکس نقیض گرفته (یکی از قواعد منطقی) و گفته است که به موجب این آیه، هر کسی در آخرت اعمی نیست و بصیر است، در دنیا نیز اهل بصیرت بوده است. پس برای اینکه در آخرت بصیرت داشته باشیم، لازم است که حقایق موجود در این جهان را درک کنیم. لازم نیست آگاهی‌مان کامل باشد بلکه باید در مسیر دانستن و آگاهی از حقایق موجود در عالم قدم برداریم تا از گمراهی در آخرت نجات پیدا کنیم. [۳]

حلال سؤال این است که آیا همه حقایق موجود در جهان اهمیت دارد؟ مثلاً اگر کسی همه مسائل فیزیک را نمی‌دانست، در آخرت کوردل است؟ به نظری می‌رسد مراد از حقایق موجود، آن چیزی باشد که در سعادت و شقاوت ما اثرگذار است نه همه حقیقت‌های موجود در عالم. مثلاً یحیٰ توحید، نبوت، امامت، اعتقاد به حقیقت داشتن معاد، احکام شرعی یا برخی

از مسائل سیاسی که به آخرت ما مربوط می‌شوند، در مسیر زندگی و سعادت انسان تأثیرگذار است و انسان برای بصیرت در آخرت، باید نسبت به آنها در این دنیا بصیرت داشته باشد؛ چون عدم آگاهی نسبت به این مسائل باعث تصمیم اشتباه و در نتیجه خسار در آخرت می‌شود. دلیل این آیه شریفه، احادیث متعددی به عنوان مصادیق کوردلی ذکر شده است. یکی از مهمترین مصادیق کوردلی طبق این احادیث، ندیدن فضیلت اهل بیت و عداوت با آنان است. [۴]

- [۱]- **سوره اسراء، آیه ۷۲.**
- [۲]- **نورالتقلین، جلد ۳، صفحه ۹۵.**
- [۳]- **تفسیرالقرآن الکریم (صدر) جلد ۶، صفحه ۹۱.**
- [۴]- **نورالتقلین، جلد ۳، صفحه ۹۵.**

یادداشت

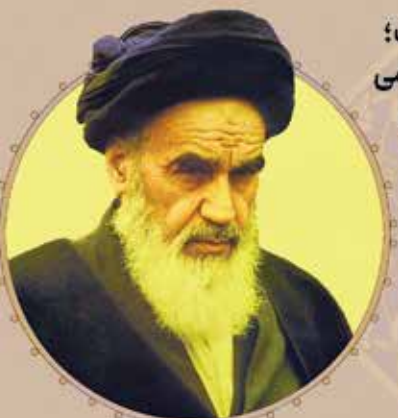
سرآغاز موجی تازه



محمد احسان مفیدی کیا
منتقد

رابرت فلاهرتی خیلی زود کار کشف و استخراج معدن را کنار گذاشت و تمام وقتش را صرف ساخت فیلم مستند کرد. او این بار در همان جغرافیایی که در بی سنگ و فلز کاوش می‌کرد، به جست‌وجوی فرهنگ تقریباً فراموش شده قبیله اسکیموهای «ایتی و میوثیت» رفت و همانجا بود که نانوک، یعنی سوزه اصلی مشهورترین فیلم کلاسیک مستند را یافت. تا پیش از این یک شخصیت مرکزی که بنا بر دستور زبان شخصی، روایت خاصی را در فیلم مستند شکل دهد، سابقه نداشت، «نانوک شمال» اولین مستند پرتزه به این معنا بود. همچنین دکوپاژ شبه‌داستانی و تکرار رخدادها برای دیدنشان از چند زاویه مختلف یک ویژگی جدید و دستاورد بدیع برای فلاهرتی به شمار می‌رفت، همان چیزی که امروزه برای ما خیلی ساده به نظر می‌رسد. با وجود این نگاه‌های خیره سوزه‌ها به دوربین یا میان‌نویس‌هایی که صحنه را در یک یا چند عبارت کوتاه شرح می‌داد، از خصوصیت‌های مستند‌های سفرنامه‌ای بود که در «نانوک شمال» هم دیده می‌شد.

هرچو که بود اولین فیلم سینمایی مستند فلاهرتی آماده بخش شد و با بخت خوش او جنگ در اروپا باعث شد که اقبالی به اثرش نشود و حتی پارامونت در هالیوود برای اکران دست زد به سینه‌اش بزند. هرچند در نهایت سازمان «پانه» در فرانسه این ریسک را پذیرفت و در یازدهم ژوئن ۱۹۲۲ فیلم برای اولین بار به نمایش عمومی درآمد. این سرآغاز یک موج در دنیای سینمای آن روز شد، موجی که حتی تا امروز هم نیتفاده است. تقریباً تمام منتقدان صاحب‌نام آن روز آنرا تحسین کردند، فیلم بارها و بارها دیده شد. برایش ترانه ساختند و حتی عکس نانوک روی پاکت پستی هم نقش بست. فلاهرتی عاشق اسکیموها بود، او خودش و تمام کاشفان سفیدپوست دیگر را مسئول پس رفت شدید و سریع فرهنگی جوامع‌شان می‌دانست. اما این باعث نشد که ما در «نانوک شمال» با یک اثر واقع‌گرایانه انتقادی مواجه باشیم بلکه کارگردان با عبور دادن نانوک از صافی خاطرات گذشته‌های دور توانست بر سوبه‌های رمانتیک کار بیفزاید آنچه را در آستانه محو شدن از فرهنگ اسکیمویی بود بازسازی کند و به تصویر بکشد. این یعنی در واقع نه دیگر نانوک آنطور با نیره شیر دریایی شکار می‌کرد و نه با زن و بچه‌اش در ایلکو به خواب می‌رفت، این همه را نانوک از سر علاقه‌ای که بین او و فلاهرتی ایجاد شده بود انجام داد، او فیلم، با آنطور که خودش می‌گفت «آکی» را چنان دوست می‌داشت که به‌رغم سینه بیمارش روزها در برف به فریادهای «دوباره می‌گیریم» رابرت گوش دهد، لبخند بزند و از نو در موقعیت قرار بگیرد تا تصویرش آنطور که باید ضبط شود. گویی نانوک به خوبی دریافته بود که هرچند او در آینده خواهد مرد، چنانکه دو سال بعد در اثر خونریزی رتق افتاد، اما این آکی است که بیاد او و قبیله‌اش را تا دنیا دنیاست، زنده نگاه خواهد داشت. او کاملاً به گفته فلاهرتی اعتماد داشت، همان هنگام که او را ترک می‌کرد و می‌گفت: «آدم‌های بی‌شماری در جنوب دور تو و قبیله‌ات را در حال کار و فعالیت خواهند دید.»



**امام بزرگوار
روح جمهوری اسلامی است؛
اگر این روح از جمهوری اسلامی
گرفته بشود و مورد بی‌توجهی
قرار بگیرد، نقشی بر دیوار
باقی خواهد ماند.**

مقام معظم رهبری
۱۴ خرداد ۱۴۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم
سی و چهارمین سالگرد ارتحال ملکوتی رهبر کبیر انقلاب اسلامی امسال در حالی فرامی‌رسد که با کمتر شدن محدودیت های بیماری منحوس کرونا، مردم عزیز ایران اسلامی، آماده برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم‌های بزرگداشت حضرت امام خمینی (س) در سراسر کشور می‌شوند. از این‌رو خادمان امام روح الله در ستاد بزرگداشت آن حضرت جهت حضور پرشور و تجدید عهد و میثاق با امام عظیم‌الشان در حسینیه جماران و حرم مطهر، آماده دریافت برنامه‌های افشار مختلف مردم از سراسر کشور، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، جمعیت‌ها، احزاب، فرهنگیان، دانشگاهیان و ورزشکاران گرامی هستند. همچنین این ستاد با گوش جان مشتاق شنیدن نظرات، پیشنهادهای و انتقادات سازنده مردم عزیز میرهن اسلامی خصوصاً اندیشمندان، فرهیختگان، محققان، علما و روحانیت معزز و همه وفاداران به راه و اندیشه امام راحل خواهند بود، تا بار دیگر تجدید عهدی باشد با آن یگانه دوران که تنها برای خدا قیام کرد و با استبداد و استکبار به مبارزه برخاست.

**روابط عمومی ستاد مرکزی بزرگداشت
حضرت امام خمینی (س)**

کمیته روابط عمومی: ۰۲۱۶۶۴۸۱۰۳۰ • نمابر: ۰۲۱۶۶۴۹۷۱۹۲

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamran.news

پست الکترونیک: misagh@jamran.news

پیام رسان ای‌تا: @misaghbaemam

پیام رسان تلگرام: @misagh34



یادروز

فاصله میان نهم تا دوازدهم اردیبهشت، معمولاً متعلق به حمید سمندریان است. از سالروز تولد تا روز معلم، اهالی تئاتر با انتشار خاطره یا تصویری از استاد سمندریان که خیلی‌ها او را بزرگ‌ترین معلم بازیگری ایران می‌دانند، یاد می‌کنند. حمید سمندریان با اجرای نمایش‌هایی همچون «مرده‌های بی‌کفن و دفن»، «نوکاگدا»، «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی»، «ملاقات با بانوی سالخورده»، «بازی استریندبرگ»، «کرگدن»، «باغ وحش شیشه‌ای»، «اشباح»، «دو رخ»، «مرغ دریایی»، «داوید گچی قفقازی» و... یکی از هنرمندان بزرگ تئاتر کشورمان است و بسیاری از بازیگران سرشناس مان به طور مستقیم و غیرمستقیم شاگرد او بوده‌اند.



قشنگی‌ها از نگاه یکنوزیوس

عباس حسین‌نژاد نویسنده کتاب «مناجات‌نامه» متنی طنز را با محوریت کلمه «قشنگ» در صفحه اینستاگرامش به اشتراک گذاشته که برش‌هایی از این متن مربوط به همین کتاب است. او در این متن ۱۰ بندی آورده است: تا چشم کار می‌کند چشم‌های قشنگ نوست که جنون ما را توسعه داده/ وقتی برخی آدم‌ها برای انتصاب شایسته کسی پیام می‌دهند و تبریک می‌گویند قشنگ معلوم می‌شود که آن انتصاب چقدر ناشایسته بوده!! با تشکر از همه عزیزانی که صندلی‌های قشنگی را با صلاحیت کامل تصاحب کرده‌اند!! خدایا دست‌های کوتاه ما را به آن خرماهای قشنگ برسان!! خدایا، ما را شکار چشم‌های قشنگ خودت کن... و...»



روایتی از پشت در آی‌سی‌یوی طلبه مضروب

محمدرضا جوان آراسته نویسنده و مدرس ایرانی از تجربه انتظار پشت اتاق آی‌سی‌یوی طلبه مضروب سجاد جهانگیری نوشته است که بعد از تصادف با جاقو به او حمله‌ور شدند. او در بخشی از این یادداشت آورده است: «عکس‌ها را توی ای‌تا نگاه می‌کنم. یک تیباست که همان اول‌های خیابان صفائییه قم، جدول کشی جوی را رد کرده و آمده وسط پیاده‌رو ایستاده. عکس بعدی یک عمامه است روی زمین و یک کیف سیاه طرح چرم هم کنارش. عکس بعدی توی آمبولانس است و کسی که صورتش زیر دستگاه اکسیژن و لباسش خونی است، جزئیات البته بیشتر از چیزهایی است که توی عکس‌ها دست به دست می‌شود. من پشت در آی‌سی‌یو می‌فهمم جاقو روگ کردن را بریده، مری را هم بریده، پهلوی را هم دریده، به شش‌ها هم آسیب زده، توی تلفن به پدرش می‌گویم عمل خوب بوده، سطح هوشیاری پایین است، سجاد بی‌هوش است، منتظریم تا ببینیم چه می‌شود. این «منتظریم» را تا غروب به صد نفر دیگری می‌گویم.» او در ادامه این متن نوشته است: «دکترش را در رفت و آمدهای بین سالن‌ها گیر می‌آورم و از حال سجاد می‌پرسم. می‌گوید عمل خوب بوده، الان توی مرحله بحرانی هستیم، باید ببینیم بدن چه جوابی می‌دهد. این بدنی که می‌گوید، منظورش همان سجاد است که تازه از مشهد آمده قم و همین‌تاگی‌ها خانه ما بود و من بهش می‌گفتم همان مشهد می‌ماندی قم مگر چه خبر است که آمدی؟» این طلبه جوان در بخش دیگری این یادداشت نوشته است: «می‌گویم کسی که حمله کرده را گرفته‌اند، توی همین بیمارستان بستری است. می‌گویم وقتی پلیس می‌خواسته دستگیرش کند، خودزنی کرده. فکر می‌کنم ضارب چقدر خودش را آماده کرده، از گی جاقو را کنار دستش گذاشته، چطور تصمیم گرفته به یک طلبه جوان ساده کنار خیابان حمله کند. فکر می‌کنم آدم عادی نبوده، آدم‌های عادی وقت تصادف دستپاچه می‌شوند، این آدم اما دستپاچه نشده، برای بعد از تصادف برنامه داشته، جاقو را برای همین دم دستش گذاشته. من فکر می‌کنم آدم‌های عادی هیچ وقت بعد از حادثه خودزنی نمی‌کنند، می‌کنند؟»



عادی‌ترین کار ممکن از نگاه پرواز همای

پرواز همای خواننده موسیقی سنتی که به همراه گروه «مستان نو» هشتم و نهم اردیبهشت در یزد به روی صحنه رفته بود پس از اجرای کنسرت یزد در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: «بنازم مهر روزگار رو و دست بوس یکایک مردم یزد هستم برای سه سانس کنسرت خاطره‌انگیز، زینبارین حال روزگار اونجاست که خیلی‌ها در سرتا سرد دنیا قضاوت کنند وزیرهای آدم رو خالی کنن اما هواداران اینجوری پشتت باشن، امیدوارم حال خوب این روزهای من رو همه اونایی تجربه کنن که قضاوتم کردند و از هر حرفه‌ای برای تخریب من و گروهم استفاده کردند تا تصویری خلاف آنچه هستم در جامعه بسازند. من غلام‌مردم ایرانم و هر تصمیمی در هر لحظه‌ای گرفتم به صلاح موسیقی و هنر بوده و خودم آگاهم از راهی که سال‌هاست برگزیدم، ما عادی‌سازی نمی‌کنیم بلکه عادی‌ترین کار ممکن که رسالت ما و شغل ماست رو انجام می‌دیم. آنهایی که جوسازی می‌کنند برای پرم‌زدن کنسرت‌ها آگاه باشند رسالت ما شادی آفریدن برای مردم سرزمین‌مان است.»